

ارزیابی بیمه هزینه‌های دادرسی از منظر حقوق مصرف‌کنندگان

ناهید صفری*

چکیده

یکی از ابعاد مهم حمایت از مصرف‌کنندگان که کمتر مورد توجه قرار گرفته، تسهیل اقامه دعوی مصرف‌کنندگان است. هزینه‌های اقامه دعوا از جمله موانع مهم اقامه دعوی مصرف‌کنندگان محسوب می‌شوند. در حقوق ایران نیز فقدان معاضدت‌های خاص برای مصرف‌کنندگان و محدودیت‌های قواعد عام اعسار و محدود بودن منابع مالی سازمان‌های حمایت از مصرف‌کننده در عمل موانعی را برای مصرف‌کنندگان ایجاد نموده است. در نظام‌های حقوقی مکانیسم‌های مختلفی در راستای رفع این مانع ملاحظه می‌شود. بیمه هزینه‌های حقوقی را می‌توان از جمله ابزارهایی دانست که با تحت پوشش قراردادن هزینه‌های دعوا به نوعی در رفع این مانع و تسهیل اقامه دعوی مصرف‌کنندگان مؤثر هستند و در اکثر نظام‌های حقوقی مورد توجه واقع شده‌اند. پژوهش حاضر به روش توصیفی - تحلیلی و با جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای، ضمن مطالعه این بیمه‌ها در برخی نظام‌های حقوقی پیش‌گام در این زمینه، این بیمه‌ها را در راستای تسهیل اقامه دعوی مصرف‌کنندگان مورد مطالعه قرار داده است. تجربه نظام‌های حقوقی مورد مطالعه مؤید آن است که این بیمه‌ها در کنار سایر ابزار معاضدت، راهکار مناسبی در تسهیل اقامه دعوی مصرف‌کنندگان هستند. در نظام حقوقی ایران به‌رغم پیش‌بینی این بیمه‌ها در آیین‌نامه اجباری نمودن وکالت، با صدور رأی وحدت‌رویه دیوان عالی کشور، در حال حاضر مقررات خاصی در این زمینه ملاحظه نمی‌شود. با وجود این، با توجه به پذیرش عقد بیمه و اصل آزادی قراردادها، این بیمه‌ها در حقوق ایران نیز قابل دفاع هستند و می‌توانند ضمن داشتن اثر بازدارندگی در ورود ضرر به مصرف‌کننده، برخی مشکلات مربوط به هزینه‌های دادرسی را رفع نمایند. از این‌رو احیای مفاد آیین‌نامه اخیر و حمایت‌های قانونی از این بیمه‌ها در جهت استفاده از کارکردهای مثبت آن ضروری است.

واژگان کلیدی: بیمه، هزینه‌های دادرسی، مصرف‌کننده، معاضدت

مقدمه

اصل دسترسی به دادگستری به‌عنوان یکی از اصول راهبردی دادرسی شناخته می‌شود. ارزان بودن دسترسی به دادگستری نیز از جمله ویژگی‌های این اصل است و در نظام‌های مختلف حقوقی مورد توجه قرار گرفته است. در راستای این اصل معاضدت‌های حقوقی مختلفی در نظام‌های حقوقی مختلف و اسناد بین‌المللی^۱ پیش‌بینی شده است. علاوه بر مقررات مربوط به اعسار و معافیت از هزینه‌های دادرسی، مکانیسم‌های مختلفی برای توزیع خطرات مالی اقامه دعوا وجود دارند. دعاوی دسته‌جمعی، حق‌الوکاله مشروط و سرمایه‌گذاری اشخاص ثالث و بیمه هزینه‌های حقوقی^۲ از جمله مهم‌ترین موارد هستند. در این مقاله بیمه هزینه‌های حقوقی در راستای تسهیل وصول به عدالت مورد توجه قرار گرفته است. این بیمه‌ها که هزینه‌های اقامه دعوا یا دفاع در برابر دعاوی را تحت پوشش قرار می‌دهند، از دهه ۱۹۸۰ در بسیاری از نظام‌های حقوقی مورد توجه قرار گرفته و در حال حاضر در اکثر نظام‌های اروپایی کاربرد دارند. در برخی کشورهای آسیایی مانند ژاپن و چین هم اخیراً توجه به این نهاد ملاحظه می‌شود. در نظام حقوقی ایران در ماده ۱۳ آیین‌نامه اجباری نمودن وکالت، طرح بیمه وکالت پیش‌بینی شده بود که با توجه صدور رأی وحدت‌رویه دیوان عالی کشور، در حال حاضر مقررات خاصی در این زمینه ملاحظه نمی‌شود. البته اخیراً برخی شرکت‌های بیمه به این نوع بیمه توجه نشان داده‌اند و به نظر می‌رسد در آینده می‌توان شاهد توسعه این بیمه‌ها بود.

اهمیت این نوع بیمه‌ها در زمینه حفظ حقوق مصرف‌کنندگان بیشتر است. روشن است که در عرصه حقوق مصرف‌کنندگان، علاوه بر وجود قواعد ماهوی حمایت از مصرف‌کننده، نیازمند تمهید مقررات شکلی با هدف تسریع و تسهیل رسیدگی به دعاوی آن‌ها هستیم. زیرا از یک طرف شرایط جامعه مدرن به‌نحو قابل‌ملاحظه‌ای اشخاص را در معرض صدمات قرار داده و معمولاً مصرف‌کنندگان به‌دلیل پرهزینه بودن اقامه دعوا برای مطالبه جبران صدمات مزبور، در موقعیت ضعیفی قرار دارند. از طرف دیگر در نتیجه نقض حقوق مصرف‌کنندگان، از یک طرف سود کلانی عاید تولیدکنندگان می‌شود و از سوی دیگر به‌دلیل توزیع و سرشکن شدن آن میان کلیه مصرف‌کنندگان، معمولاً ضرر اندکی به هر یک از آن‌ها وارد می‌شود. از این‌رو معمولاً مصرف‌کنندگان انگیزه‌ای برای اقامه دعوا نخواهند داشت. از این منظر بیمه می‌تواند در تسهیل اقامه دعوا و ایجاد انگیزه برای اقامه دعوا مورد توجه قرار گیرد. البته باید

۱. ماده ۳.۶ کنوانسیون حقوق بشر اروپا معاضدت حقوقی را برای تضمین دسترسی برابر به عدالت برای همگان و به ویژه برای شهروندان فاقد تمکن مالی کافی، ضروری دانسته است. شورای اروپا نیز کشورهای عضو خود را به توسعه نظام‌های معاضدت حقوقی تشویق و چندین قطعنامه را در این زمینه تصویب کرده است.

2. Legal Expenses Insurance (LEI)

توجه داشت بیمه به‌عنوان ابزای برای معاضدت تلقی می‌شود و به هیچ‌وجه جایگزینی برای معاضدت‌های دیگر به‌ویژه معاضدت‌های با بودجه عمومی نیست که برای قشرهای کم‌درآمد پیش‌بینی شده است و این بیمه‌ها در کنار سایر اشکال معاضدت به‌ویژه برای اقشار با درآمد متوسط که مشمول معاضدت‌های معمول نیستند، مفید خواهد بود. در واقع باید توجه داشت که در کنار ضرورت ایجاد ابزارهای معاضدتی مناسب برای اقامه دعای به‌عنوان مسئولیت اجتماعی دولت، استفاده از این بیمه‌ها نیز می‌تواند تا حدی جبران‌کننده خلأهای حمایتی در این زمینه باشد. ضرورت دخالت دولت و قبول مسئولیت از طرف دولت در راستای رفاه شهروندان و پیدایش دولت رفاه از گرایش‌های اجتماعی و حقوقی جدیدی است که اهمیت آن از قرن ۱۹ و ۲۰ بیشتر شده است. تضمین دسترسی به دادگاه‌ها به‌عنوان یکی از مظاهر این گرایش است و در این راستا توجه خاصی به برخی گروه‌ها از جمله مصرف‌کنندگان در نظام‌های حقوقی مختلف شده است (کاپلنتی و گارث، ۱۳۹۸: ۱۹۶-۱۹۴). اصلاح مقررات آیین دادرسی مدنی در راستای تحقق اصل دسترسی به دادگستری و از جمله توجه به مقررات معاضدت از موضوعات مهمی است که در این راستا مورد توجه قرار گرفته است. به‌نحوی که از نظر دیوان اروپایی حقوق بشر حق دسترسی را هم می‌توان با طرح نهاد کمک حقوقی و هم با آسان‌سازی قواعد دادرسی محقق نمود (کاپلنتی و گارث، ۲۰۰۵: ۱۳۹۸).

این نوشتار با بررسی بیمه‌های هزینه‌های حقوقی از منظر حقوق مصرف‌کنندگان ضمن این‌که گامی در جهت شناسایی این بیمه‌ها در نظام حقوقی ایران برداشته است، راهنمایی برای سازمان‌های قانونی از جمله سازمان‌های حمایت از مصرف‌کننده و شرکت‌های بیمه در توجه به این بیمه‌ها در راستای تحقق اهداف خود خواهد بود. همچنین پرداختن به این موضوع می‌تواند در راستای احیای مجدد ماده ۱۳ آیین‌نامه اجباری نمودن وکالت مؤثر باشد. در واقع با توجه به کارکرد مثبت این نوع بیمه‌ها، قوه قضائیه می‌تواند مفاد این ماده را در قالب آیین‌نامه مستقل احیا نماید.

۱. معرفی بیمه هزینه‌های حقوقی

۱-۱. مفهوم و انواع بیمه‌های هزینه‌های حقوقی

مطابق با ماده ۱ قانون بیمه، بیمه عقدی است که به‌موجب آن یک طرف تعهد می‌کند در ازای پرداخت وجه یا جوهی از طرف دیگر در صورت وقوع یا بروز حادثه خسارت وارده بر او را جبران نموده یا وجه معینی بپردازد. بیمه هزینه‌های حقوقی نیز همان‌طور که از عنوان آن بر می‌آید نوعی بیمه برای تحت پوشش قراردادن هزینه‌های اقامه دعای یا دفاع در برابر دعای است. شکل اولیه و معمول این بیمه‌ها مشابه سایر بیمه‌ها و تابع اصول حاکم بر آن‌ها است. این نوع بیمه وسیله‌ای برای تأمین هزینه‌های قانونی دعوا است.

نظام قضایی اتحادیه اروپا بیمه‌های هزینه‌های حقوقی را به این شکل تعریف می‌کند: «یک شرکت بیمه که در مقابل پرداخت حق بیمه، تعهد به تأمین هزینه‌های دادرسی و سایر خدمات مرتبط با پوشش بیمه را به‌ویژه با توجه به موارد زیر می‌نماید. الف) جبران خسارت شخص بیمه شده از طریق مصالحه در خارج از دادگاه یا از طریق دادرسی مدنی یا کیفری؛ ب) دفاع یا نمایندگی از شخص بیمه شده در دادرسی‌های مدنی، کیفری، اداری یا سایر موارد یا در رابطه با هرگونه ادعای مطرح شده علیه آن شخص» (McNee, 2019: 12). اگرچه هدف از بیمه هزینه‌های حقوقی، تأمین هزینه‌های ناشی از اقامه دعوا یا دفاع در برابر دعاوی اقامه شده است اما این بیمه‌نامه‌ها به اشکال مختلفی ارائه می‌شوند و لزوماً محدود به بیمه دعاوی نیستند. این بیمه‌ها می‌توانند شامل هر نوع خدمات حقوقی باشند. با توجه به مفاد قرارداد، خدمات مختلفی از جمله دریافت مشاوره، تنظیم لایحه دفاعیه، دادخواست و یا دخالت وکیل در دعوا ممکن است از طرف بیمه ارائه شود. با توجه به این مسئله در تعریف این نوع بیمه‌ها باید تعریفی را اتخاذ نمود که تمام انواع بیمه‌ها را شامل شود. کمیته مشورتی دسترسی به عدالت استرالیا این بیمه‌ها را طرحی تعریف می‌کند که به منظور تأمین پوشش بیمه، با پرداخت حق بیمه برای هزینه خدمات حقوقی مشخص شده طراحی شده‌اند (Regan, 2001: 293).

شکل خالص این نوع بیمه‌ها که در اروپا شکل گرفته و در حال حاضر رایج است، عموماً به‌وسیله بنگاه‌های خصوصی اداره می‌شوند. شکل دوم این بیمه‌ها به‌صورت برنامه‌های گروهی^۱ است که بودجه خدمات حقوقی را برای اعضا فراهم می‌کند. این موارد شامل خرید عمده خدمات حقوقی از وکلای خصوصی، استخدام وکلای داخلی برای گروه مشخصی از افراد مانند اعضای اتحادیه صنفی و خانواده‌های آن‌ها و آموزش اعضای گروه در زمینه امور حقوقی است. این برنامه‌ها اغلب با عنوان برنامه‌های پیش‌پرداخت^۲ شناخته می‌شوند. زیرا از اصول بیمه استفاده نمی‌کنند بلکه در عوض به پس‌اندازهای عمده برای ایجاد منابع برای دارندگان بیمه‌نامه‌ها متکی هستند. این طرح‌ها عمدتاً در آمریکا و کانادا یافت می‌شوند که برای بهبود دسترسی به عدالت از طریق کاهش هزینه مشاوره حقوقی و وکالت تهیه شده و معمولاً برای گروه‌های کارمندی طراحی می‌شوند و بودجه آن یا از طریق کارفرمایان یا به‌طور مشترک توسط کارفرمایان و کارمندان تأمین می‌شود (Regan, 2001: 293-294).

البته باید توجه داشت که داشتن پوشش بیمه هزینه حقوقی به این معنی نیست که تمام هزینه‌های حقوقی پرداخت خواهد شد، بلکه بیمه‌کننده باید دعوا را اقامه کند و این دعوا باید تأیید شود. از جمله شرایط معمول که در تأیید دعوا اثرگذار است عبارتند از این‌که دارنده بیمه نامه باید در مدت زمان

1. Group plans
2. Prepaid plan

مقرر اقامه دعوا کند و احتمال موفقیت دعوا وجود داشته باشد. همچنین اگر هزینه مشاوره حقوقی یا نمایندگی به‌طور نامتناسبی بیش از میزان خسارت احتمالی باشد، بیمه‌گر می‌تواند از پرداخت خودداری کند (McNee, 2019: 13). ضمن اینکه مشابه سایر بیمه‌ها محدودیت‌هایی نیز در استفاده از این نوع بیمه‌ها وجود دارد. در برخی نظام‌های حقوقی این نوع بیمه‌ها صرفاً انواع خاصی از دعاوی همچون مصرف‌کننده، مالک - مستأجر، دعاوی مسئولیت مدنی که عموماً افراد خصوصی در آن دخیل‌اند، پوشش می‌دهد و اغلب تعهد بیمه‌گر محدود به مبلغ معینی است (طهماسبی، ۱۳۹۷: ۸۵). در نظام حقوقی آلمان در این نوع بیمه هم باید حادثه‌ای وجود داشته باشد که توجیه‌کننده بیمه باشد. به عبارت دیگر دعاوی اقامه شده در نتیجه یک عمل غیرقانونی یا تعهد قراردادی نقض شده باشد. در واقع بیمه‌نامه‌ها موارد انتزاعی را پوشش نمی‌دهند و پوشش بیمه کاملاً محدود به موردی است که رویداد بیمه‌شده اتفاق افتاده باشد. یکی دیگر از محدودیت‌های ذاتی این بیمه‌ها مشابه سایر بیمه‌ها عدم شمول بیمه نسبت به حوادث عمدی است. به همین دلیل قوانین کیفری (به استثنای بی‌احتیاطی که به‌عنوان مثال توسط راننده خودرو انجام می‌شود) تحت پوشش این بیمه‌ها نیستند و متهمان در دادرسی‌های کیفری مجبور به اتکا به سایر ابزارهای معاضدتی هستند. قانون خانواده از دیگر مواردی است که تحت پوشش چنین بیمه‌هایی قرار نمی‌گیرند (Killan, 2004: 242). همچنین از تاریخ امضای قرارداد بیمه، یک دوره استثنا به مدت سه ماه از تاریخ انعقاد قرارداد بیمه وجود دارد و دعاوی قبل از این مدت تحت شمول بیمه قرار نمی‌گیرند (Killan, 2003: 37).

یکی از موضوعات مهمی که در این نوع بیمه‌ها اهمیت دارد، مسئله انتخاب وکیل است. در واقع مسئله این است که وقتی پرونده‌ای در شرایطی است که به یک وکیل نیاز باشد، بیمه شده همیشه حق انتخاب آن شخص را دارد. از این موضوع تحت عنوان اصل آزادی انتخاب وکیل در قراردادهای بیمه صحبت شده است. این اصل را باید در راستای حق آزادی افراد در انعقاد قراردادها دانست و با توجه به اینکه قرارداد وکالت از جمله قراردادهایی است که تخصص و ویژگی‌های شخصیتی فرد اهمیت دارد و شخص به اعتبار شخصیت و مهارت وکیل، اقامه دعوا را به او می‌سپارد، توجه به آن در این بیمه‌ها نیز ضروری است و قراردادهای بیمه باید صراحتاً این حق انتخاب را به رسمیت بشناسند. این اصل در دستورالعمل اتحادیه اروپا مطرح و متأثر از آن در مقررات داخلی برخی نظام‌های حقوقی نیز پذیرفته شده است. به‌عنوان مثال در نظام حقوقی انگلیس در برخی مقررات^۱ ضمن اشاره به این حق، بر لزوم تصریح به آن در قراردادهای بیمه تأکید شده است (Jackson, 2009: 71). البته این

1. Insurance Companies (Legal Expenses Insurance) Regulations 1990

حق مطلق نیست و گاهی استثنائاً محدودیت‌هایی بر آن اعمال شده است که عمدتاً ناظر به مواردی است که محدودیت‌ها به منافع بیمه‌شده خلل چندانی وارد نمی‌کند. برخی نویسندگان در توجیه این امر بر این باورند که اصل آزادی انتخاب وکیل مهم‌تر از اصل دسترسی به عدالت نیست و بنابراین گاهی محدود کردن آن موجه است (منصوری و سلطانی، ۱۳۹۷: ۱۴۸). به‌عنوان مثال گفته شده که در مواردی که منافع اقتصادی بیمه‌شده ناچیز است یا در بیمه‌های دارای مشاوران تخصصی، در موضوع ادعای بیمه شده، می‌توان حق انتخاب را محدود کرد (Ilmonen, 1996: 363). این مسئله در انتخاب وکلای معاضدتی و تسخیری در نظام حقوقی ایران قابل مشاهده است که کانون وکلا با توجه به شرایط متقاضی، اقدام به انتخاب وکیل می‌نماید و موکل حق انتخاب وکیل خاصی را ندارد. با وجود این باید توجه داشت که با توجه به اهمیت این اصل در عقد وکالت به‌ویژه وکالت دعاوی که از جمله عقود است که شخصیت فرد علت عمده عقد است، اعمال هرگونه استثنایی باید با احتیاط صورت گیرد تا به اصل آزادی افراد خدشه وارد نشود.

بیمه‌های هزینه‌های حقوقی با توجه به شرایط هر نظام حقوقی به اشکال مختلفی ارائه می‌شوند و از ابعاد مختلفی می‌توان آن‌ها را طبقه بندی کرد. یکی از مهم‌ترین تقسیم‌بندی‌ها تمایز بین بیمه‌های قبل از واقعه و بیمه‌های بعد از واقعه^۱ است. بیمه‌های قبل از واقعه مانند سایر بیمه‌ها عواقب حوادثی را پوشش می‌دهند که هنوز رخ نداده‌اند. در مقابل بیمه‌های پس از واقعه، هزینه‌های حقوقی آینده را در موردی که قبلاً اختلافاتی رخ داده باشد، پوشش می‌دهند. از این رو بیمه پس از واقعه معمولاً در مواردی وجود دارد که احتمال پیروزی در یک دعوا زیاد باشد. در غیر این صورت یک بیمه‌گر ممکن است اطمینان کافی برای سود بردن نداشته باشد. همچنین از آنجا که به‌طور قابل توجهی احتمال بیشتری بر تحمل هزینه‌های بیمه شده در این موارد وجود دارد، هزینه بیمه پس از واقعه در مقایسه با بیمه قبل از واقعه، بیشتر است (Kilian, 2003: 33).

همچنین بیمه‌های هزینه‌های حقوقی از حیث نحوه تنظیم به دو صورت بیمه‌نامه‌های مستقل و الحاقی تنظیم می‌شوند. این بیمه‌ها معمولاً به‌صورت یک بیمه مستقل است که به همراه یا بر روی کالای بیمه دیگری به فروش نمی‌رسد. در مقابل بیمه‌نامه‌های الحاقی همراه با سایر بیمه‌هاست و معمولاً به بیمه‌های خسارات ناشی از یک حادثه رانندگی ملحق می‌شوند (Regan, 2001: 294). برخی نظام‌های حقوقی مانند انگلیس بیمه‌نامه‌های الحاقی به‌لحاظ مقرون‌به‌صرفه بودن رایج‌تر هستند. (Jackson, 2009: 76) در آلمان بیمه‌نامه‌های مستقل قبل از واقعه رایج‌تر هستند (Killan,

33-34: 2003). با توجه به هزینه کم بیمه‌های الحاقی در مقایسه با بیمه‌های مستقل، این نوع بیمه‌ها در تجارت بیمه اروپا نیز جایگاه برجسته‌ای دارند (Ilmonen, 1996: 366).

بیمه هزینه‌های حقوقی همچنین می‌تواند به‌عنوان بخشی از بیمه‌نامه‌های گروهی باشند که در مورد اعضای یک گروه خاص مانند کارمندان یک شرکت خاص اعمال می‌شود. مانند سایر انواع بیمه‌ها پوشش ارائه‌شده تحت این بیمه‌نامه‌ها از حیث انواع خدمات تحت پوشش، محدودیت‌های مالی و اضافی و دوره‌های انتظار و افراد تحت پوشش متفاوت هستند و از این حیث نیز انواع مختلف بیمه‌نامه‌ها وجود دارد. به‌عنوان مثال برخی از بیمه‌نامه‌ها صرفاً اقامه دعوا علیه شخص معینی را پوشش می‌دهند و برخی دیگر اقامه دعوا علیه اشخاص دیگر را هم شامل می‌شوند (McNee, 2019: 12).

۲-۱. نهادهای مشابه

در سایر نظام‌های حقوقی در راستای تأمین هزینه‌های دادرسی، ابزارهای مختلفی به کار گرفته شده است. حق الوکاله مشروط یا احتمالی^۱ و دعاوی با بودجه قانونی یا تأمین هزینه توسط ثالث^۲ از جمله نهادهای مهمی است که در این راستا قابل ملاحظه است و به‌جهت مشابهت با بیمه هزینه‌های حقوقی، توجه به آن‌ها می‌تواند در شناخت دقیق این بیمه‌ها مفید باشد.

حق الوکاله مشروط یکی از نهادهای رایج در کشورهای تابع نظام حقوقی کامن‌لا به‌ویژه آمریکا است. در این نوع حق الوکاله‌ها پرداخت حق الوکاله، مشروط به نتیجه دعواست به‌نحوی که در صورت شکست در دعوا حق الوکاله‌ای به وکیل تعلق نخواهد گرفت و در صورت پیروزی در دعوا، چند برابر تعرفه حق الوکاله و یا درصدی از محکوم‌به، به او تعلق خواهد گرفت.^۳ دعاوی با بودجه قانونی نیز شامل دعاوی است که بودجه آن توسط نهادهای قانونی تأمین و سرمایه‌گذار در ادعای مشتری سهیم است. از این حیث این دو مفهوم مشابه هستند زیرا در حق الوکاله مشروط نیز وکلا به‌عنوان سرمایه‌گذار عمل می‌کنند. با وجود این به‌لحاظ عدم پذیرش حق الوکاله مشروط در برخی نظام‌های حقوقی مانند آلمان و اختصاص آن به وکلا، نهاد تأمین بودجه توسط ثالث، گسترده‌تر از حق الوکاله مشروط است.

مبنای این نهادها و بیمه هزینه‌های حقوقی یکسان است، زیرا هدف انتقال ریسک است و ظاهر اقدامات نیز مشابه هستند. یک سرمایه‌گذار دعاوی، وجوهی را برای دادرسی فراهم می‌کند و خطر اقتصادی نتایج شکست را به دوش می‌کشد. با وجود این از آنجا که بیمه هزینه‌های حقوقی به‌طور

1. Contingency and Conditional fee
2. Third-party funding (legal factoring)

۳. برای مطالعه تفصیلی در این خصوص، نک: صفری و جهانشاهی، ۱۳۹۹.

بالمقوه در محدوده وسیع تری در دسترس هستند و از آنجا که لزوماً نیازمند ورود خسارت نیستند، به طور کلی گزینه جذاب تری برای افراد هستند. تأمین هزینه توسط ثالث معمولاً آخرین گزینه برای افرادی است که بدون توسل به این ابزار نمی توانند اقامه دعوا کنند. زیرا دارای پوشش بیمه یا منابع شخصی کافی نیستند و شرایط دریافت معاضدت حقوقی را هم ندارند. تجربه کشور آلمان که اولین نظام حقوقی در استفاده از ابزار تأمین توسط ثالث است و خدمات خود را در سال ۱۹۹۸ در این زمینه ارائه داده، مؤید آن است که استقبال از نهاد تأمین توسط ثالث در مقایسه با بیمه هزینه های حقوقی کم بوده و صرفاً در موضوعاتی کاربرد دارند که پوشش بیمه ای وجود ندارد. به عنوان مثال از آنجا که در آلمان برای اختلافات ناشی از قانون ساخت و ساز یا اختلافات تجاری پوشش بیمه وجود ندارد، در این موارد افراد ناگزیر از استفاده از تأمین توسط ثالث هستند (Kilian, 2003: 36).

در خصوص حق الوکاله های مشروط نیز باید توجه داشت که اگرچه این نهاد به عنوان یک ابزار کارآمد در برخی نظام های حقوقی مانند آمریکا عمل می کند، اما این مسئله مانع از استفاده از بیمه در آمریکا نیست. البته در سایر نظام های حقوقی به لحاظ عدم پیش بینی مفهوم آمریکایی حق الوکاله مشروط، بیمه کاربرد بیشتری خواهد داشت. ضمن اینکه در مقایسه این دو نهاد باید توجه داشت که بیمه هزینه های حقوقی گسترده تر از حق الوکاله مشروط است. زیرا حق الوکاله مشروط صرفاً ریسک ناشی از حق الوکاله وکیل را تحت پوشش قرار می دهد در حالی که بیمه شامل تمام هزینه های دادرسی است. طبیعی است که تأمین سایر هزینه های دادرسی از جمله هزینه های دادرسی طرف برنده در نظام های حقوقی که این قاعده حاکم است، توجه به این بیمه ها را بیشتر می کند. از نظر برخی نویسندگان حقوقی این مسئله دلیل پذیرش بیمه هزینه های حقوقی در انگلیس است زیرا این نوع حق الوکاله ها در انگلیس هم وجود دارند اگرچه به گستردگی آمریکا نیستند (Kilian, 2003: 36).

۳-۱. وضعیت بیمه هزینه های حقوقی در نظام های حقوقی مختلف

فرانسه اولین کشوری است که از بیمه هزینه های حقوقی در سال ۱۸۲۰ استفاده کرد. این نوع بیمه ها خیلی دیرتر حدوداً در دهه ۱۹۲۰ به عنوان بخشی از بیمه اتومبیل در اروپا گسترش یافت. ضرورت حمایت از افراد در برابر خطرات تصادفات رانندگی در یک کشور خارجی با زبان ها و نظام های قانونی مختلف، موجب توجه به این بیمه ها در سطح اتحادیه اروپا شد. در پی افزایش تعداد تصادفات اتومبیل، بیمه هزینه های حقوقی در قاره اروپا به نحو قابل ملاحظه ای محبوب شد و با توجه به این سابقه، امروزه این نوع بیمه ها اغلب به عنوان الحاقیه بیمه نامه های اتومبیل فروخته می شوند. پس از آن سایر کشورهای اروپایی نیز به این بیمه ها توجه کردند. اولین شرکت بیمه آلمان در سال ۱۹۲۸ تجارت خود را آغاز کرد. امروزه آلمان یکی از بازارهای پیشرفته این بیمه ها در اروپا است که بیشتر بیمه های هزینه های حقوقی

را به‌عنوان یک محصول جداگانه به فروش می‌رساند و بیش از ۴۰ درصد از مردم قرارداد بیمه دارند. در آلمان به‌دلیل فقدان معاضدت‌های حقوقی در برخی زمینه‌ها، این بیمه‌ها به نوعی پرکننده خلأ هستند. از طرفی یکی از دلایل موفقیت این نوع بیمه‌ها این است که حرفه وکالت آلمان بر اساس یک برنامه هزینه ثابت کار می‌کند. بنابراین قابل‌پیش‌بینی بودن هزینه‌ها، مشوق اصلی شرکت‌های بیمه است. ضمن اینکه سازوکارهایی مانند حق‌الوکاله مشروط نیز در آلمان وجود ندارند (Regan, 2001: 295). این عوامل موجب گردیده استفاده از این بیمه‌ها اقبال بیشتری داشته و سایر روش‌های معاضدت فقط در دعوی مربوط به حقوق خانواده و حقوق کیفری که تحت پوشش این بیمه‌ها نیستند، مورد استفاده قرار گیرد. یکی از دلایل عدم اقبال سایر روش‌ها از نظر حقوق‌دانان آلمانی این است که مقررات معاضدت حقوقی فقط تأمین‌کننده هزینه‌های فرد هستند. در حالی که در صورت شکست در پرونده فرد مکلف به پرداخت هزینه‌های طرف مقابل نیز خواهد بود و این بیمه‌ها برخلاف مقررات معاضدت، این هزینه‌ها را هم شامل می‌شوند (Killan, 2004: 239).

در سوئد بیمه هزینه‌های حقوقی به‌طور پیش فرض در بیشتر قراردادهای بیمه خانگی گنجانده شده است. بنابراین حدود ۹۰ درصد از خانوارهای سوئدی دارای بیمه هستند. سوئد یکی از موفق‌ترین کشورها در این زمینه است. موفقیت این نوع بیمه‌ها در سوئد را باید در چهارچوب شرایط این بیمه‌ها در این کشور دانست. زیرا با توجه به اینکه این بیمه‌ها به‌طور خودکار در بیمه‌های خانگی گنجانده می‌شوند، هیچ هزینه اضافی برای مصرف‌کنندگان ندارد. ضمن اینکه این بیمه‌ها به نوعی خلأ سایر معاضدت‌ها را جبران کرده‌اند و برخی موضوعات از جمله موضوعاتی که تحت پوشش معاضدت‌های حقوقی قرار نگرفتند و هزینه‌های طرف بازنده و همچنین هزینه‌های حقوقی تعدادی از سوئدی‌هایی را که واجد شرایط معاضدت نیستند، تحت پوشش قرار می‌دهند. همچنین یکی دیگر از دلایل موفقیت این است که در این کشور بیمه‌های بدون تقصیر در زمینه انواع حوادث پزشکی، دارویی و وسایل نقلیه وجود ندارد. بنابراین این بیمه‌ها این موضوعات را نیز تحت پوشش قرار می‌دهند. در عمل نیز اکثر سوئدی‌ها به‌رغم دسترسی به برخی از معاضدت‌های حقوقی، وجود این بیمه‌ها را به نفع خود می‌دانند (Regan, 2001: 294).

در سطح اتحادیه اروپا نیز با تدوین دستورالعمل بیمه هزینه‌های حقوقی به این نوع بیمه‌ها جدی‌تر توجه شده است. دستورالعمل بیمه هزینه‌های حقوقی حداقل استانداردهای مربوط به قراردادهای بیمه هزینه‌های حقوقی را ارائه می‌دهد. اهمیت این دستورالعمل را در تأثیری که در سایر نظام‌های حقوقی داشته می‌توان ملاحظه کرد که در مبحث قبل درخصوص اصل آزادی انتخاب وکیل جلوه‌هایی از آن ملاحظه شد.

در هر حال مطالعات تطبیقی مؤید آن است که بیمه هزینه‌های حقوقی بیشتر در کشورهای تابع نظام رومی - ژرمنی رایج هستند و در کشورهای تابع نظام کامن‌لا کمتر موفق بوده‌اند. البته در این نظام‌های حقوقی نیز این بیمه‌ها وجود دارند. از میان کشورهای تابع خانواده کامن‌لا، آمریکا موفق‌تر است. در آمریکا سال‌هاست که طرح‌های «خدمات قضایی از پیش پرداخته شده» به اجرا گذاشته می‌شود که عملکردی مشابه دارند. با وجود این، این طرح‌ها معمولاً برای دعاوی ساده مانند طلاق و سایر دعاوی موارد مربوط به قانون خانواده و وصیت‌نامه‌ها و املاک طراحی شده و به ندرت برای مشکلات پیچیده حقوقی مورد استفاده قرار می‌گیرند. همچنین مشاوره حقوقی تلفنی در بسیاری از طرح‌های پیش‌پرداخت نقشی اساسی دارد، زیرا ارزان است و می‌تواند از تبدیل مشکلات به دعاوی پرهزینه جلوگیری کند (Regan, 2001: 295). در انگلستان بیمه هزینه‌های حقوقی از سال ۱۹۷۴ وجود دارند. لازم به ذکر است که در این کشور تا سال ۱۹۶۷ بیمه هزینه‌های دادرسی غیرقانونی بود. امروزه این نوع بیمه‌ها اغلب در سایر بیمه‌نامه‌های خانوار گنجانده شده و از این رو درصد قابل توجهی از مردم دارای چنین بیمه‌هایی هستند. با وجود این از نظر حقوق دانان با توجه به سابقه منع قانونی آن، در مقایسه با سایر کشورهای اروپایی توسعه این بیمه‌ها در انگلیس کند بوده است (Kilian, 2003: 32).

در استرالیا، کانادا، جمهوری کره، اسکاتلند و آفریقای جنوبی نیز به صورت محدود این بیمه‌ها وجود دارند (McNee, 2019: 5). در برخی کشورهای آسیایی مانند ژاپن و چین هم اخیراً توجه به نهاد بیمه ملاحظه می‌شود (Qiao, 2010: 1).

در نظام حقوقی ایران مقررات خاصی در این زمینه وجود ندارد. در ماده ۱۳ آیین‌نامه اجباری نمودن وکالت، طرح بیمه وکالت پیش‌بینی شده بود. با وجود این همان طور که برخی نویسندگان حقوقی اشاره نموده‌اند، آیین‌نامه مزبور، طبق رأی وحدت‌رویه شماره ۷۱۴ مورخ ۱۳۸۸ عملاً از اهداف ترسیم شده جهت سامان‌گرایی به کارکرد اجتماعی دادرسی بازماند (حبیبی درگاه، ۱۳۹۹: ۶۹). البته اخیراً برخی شرکت‌های بیمه به این نوع بیمه توجه نشان داده‌اند. در شرکت بیمه کوثر، بیمه وکالت تحت عنوان بیمه حامی با هدف پیشگیری از وقوع مشکلات حقوقی و حمایت از بیمه‌گذاران در حل و فصل مشکلات و مسائل قضایی ارائه می‌گردد. خطرات تحت پوشش این بیمه نیز به نحوی تنظیم شده که در گام نخست به دنبال پیشگیری از خطر و در گام بعدی تأمین هزینه‌های قضایی است. مشاوره حقوقی با وکلا و کارشناسان طرف قرارداد بیمه کوثر، مطالعه و بررسی پرونده، تنظیم لایحه از مهم‌ترین خدماتی است که در راستای کاهش احتمال وقوع مشکلات از طرف این بیمه ارائه می‌گردد و جبران هزینه‌های خدمات قضایی و هزینه‌های کارشناسی نیز از جمله خدمات این بیمه در گام بعدی است.

۲. نقش بیمه هزینه‌های حقوقی برای مصرف‌کنندگان

امروزه حمایت از مصرف‌کنندگان به‌عنوان یکی از ضروریات هر نظام حقوقی محسوب می‌شود و این مسئله مورد توجه تمام نظام‌های حقوقی قرار گرفته است. البته در شیوه‌های حمایت همانند بسیاری از موضوعات حقوقی، وحدت‌رویه وجود ندارد. در حال حاضر قریب به اتفاق نظام‌های حقوقی دارای قوانینی در حوزه حمایت از مصرف‌کنندگان هستند. قدمت این قوانین مؤید آن است که امروزه ضرورت حمایت از مصرف‌کنندگان بر هیچ کس پوشیده نیست و در صورت عدم حمایت مناسب از مصرف‌کنندگان، حقوق آن‌ها توسط تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان تضییع خواهد شد.

تجربه نظام‌های حقوقی مختلف و حقوق ایران که دارای قوانین ماهوی حمایت از مصرف‌کنندگان با قدمت نسبتاً طولانی هستند، مؤید آن است که به‌منظور حمایت مناسب از حقوق مصرف‌کنندگان، علاوه بر وجود قواعد ماهوی حمایت از مصرف‌کننده از جمله حق ایمنی، حق دسترسی به اطلاعات، نیازمند تمهید مقررات شکلی با هدف تسریع و تسهیل رسیدگی به دعاوی آن‌ها هستیم و قواعد ماهوی بدون ابزارهای شکلی کارآمد نمی‌توانند به حد کفایت حقوق مصرف‌کنندگان را تأمین نمایند. از این منظر هزینه‌های اقامه دعاوی یکی از موانع اقامه دعاوی مصرف‌کنندگان محسوب می‌شوند.

۲-۱. تعریف مصرف‌کننده و انواع دعاوی مصرف‌کنندگان

در قوانین داخلی و اسناد بین‌المللی تعاریفی از مصرف‌کننده ارائه شده است. مطابق با بند ۵ ماده ۱ قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان خودرو، مصرف‌کننده هر شخص حقیقی یا حقوقی است که خودرو را برای استفاده شخصی یا عمومی در اختیار دارد. مطابق با قانون تجارت الکترونیک در بند ۳ ماده ۲، مصرف‌کننده هر شخصی است که به‌منظوری جز تجارت یا شغل حرفه‌ای اقدام می‌کند. ماده ۱ قانون حمایت از مصرف‌کنندگان ایران، مصرف‌کننده را هر شخص حقیقی یا حقوقی تعریف کرده که کار یا خدمتی را خریداری یا مصرف نماید. ماده اخیر از این جهت که مشخص ننموده منظور از رفع نیاز خود، رفع چه نیازهایی است، به حق مورد ایراد نویسندگان حقوقی قرار گرفته است و به نظر می‌رسد با توجه به اطلاق ماده، خریداران کالا و خدمات برای رفع نیازهای حرفه‌ای را نیز در بر می‌گیرد (یوسف‌زاده و باریکلو، ۱۳۹۶: ۲).

در سطح اتحادیه اروپا دستورالعمل‌های متعددی وجود دارد که تعاریف مشابهی از مصرف‌کننده ارائه داده‌اند. مطابق با ماده ۲ دستورالعمل اروپایی مصوب ۱۹۸۵ مصرف‌کننده شخصی حقیقی است که در معاملات تحت شمول این دستورالعمل، برای مقاصدی غیر از تجارت یا حرفه خود

اقدام می‌کند.^۱

علی‌رغم برخی تفاوت‌ها در این تعاریف و برخی ایرادات بر قوانین مذکور در تعریف مصرف‌کننده که مجال صحبت از آن در این نوشتار نیست، روشن است که با توجه به این مقررات مصرف‌کننده شخصی است که خرید کالا از طرف او صرفاً برای استفاده شخصی است و اهداف تجاری ندارد.

دعای مصرف‌کنندگان ممکن است به صورت فردی یا جمعی مطرح شوند. شکل سنتی اقامه دعوا، فردی است که تابع شرایط عام اقامه دعوا است. شکل دیگر، اقامه دعای جمعی است که در این خصوص نیز نظام‌های حقوقی مختلف به روش‌های مختلفی عمل می‌نمایند. دعای جمعی ابزار رایج در کشورهای تابع نظام کامن‌لا و دعای سازمانی ابزار رایج در کشورهای تابع نظام رومی - ژرمنی است. در دعای جمعی آمریکایی یک فرد به نمایندگی از گروهی از افراد اقامه دعوا می‌کند و تمام اعضای گروه به نتیجه آن دعوا ملزم هستند مگر اینکه از دعوا خارج شوند. در دعای سازمانی، سازمانی قانونی به نمایندگی از افراد متضرر اقامه دعوا می‌کند. در حالی که معمولاً در کشورهای کامن‌لا هر یک از افراد ذی‌نفع به‌طور شخصی قادر به طرح دعای جمعی می‌باشند، در کشورهای تابع نظام حقوقی رومی - ژرمنی معمولاً ترجیح داده می‌شود که دعای مزبور به‌جای خود افراد، توسط سازمان‌های دولتی و غیردولتی طرح گردند. نمونه بارز این سازمان‌ها، سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان است که در اکثر نظام‌های حقوقی به‌عنوان نماینده مصرف‌کنندگان عمل می‌کنند. از نظر نویسندگان حقوقی این نوع دعای در راستای اصلاحات صورت گرفته در مفهوم سنتی آیین دادرسی و حرکت از فردگرایی به مدل رفاهی آیین دادرسی ایجاد شده است (کاپلتي و گارث، ۱۳۹۸: ۲۰۵).

اقامه دعای سازمانی همان‌طور که برخی نویسندگان ادعان نموده‌اند این مزیت را دارد که مصرف‌کنندگان می‌توانند ضعف اطلاعات حقوقی خود را با استفاده از وکلا و متخصصان حقوقی سازمان جبران کنند (صادقی و منتقمی، ۱۳۸۶: ۱۲). در هر حال شرایط اقامه دعای سازمانی در نظام‌های حقوقی مختلف متفاوت است. به‌لحاظ سنتی این دعای محدود به جبران‌های منعی هستند. اگرچه مطالبه خسارت نیز در برخی نظام‌های حقوقی وجود دارد. به‌عنوان مثال در آمریکا به‌رغم کاربرد وسیع دعای جمعی، سازمان‌های حمایت از مصرف‌کننده نیز امکان اقامه دعوا از

۱. برای ملاحظه تعاریف مختلف از مصرف‌کننده در نظام‌های حقوقی مختلف، نک: فیضی چکاپ و اسدی، ۱۳۹۴ و یوسفی صادق‌قلو و پورحسینی، ۱۳۹۵.

طرف مصرف‌کنندگان دارند. با وجود این این سازمان‌ها امکان مطالبه خسارت به نیابت از اعضای خود را نداشته و فقط می‌توانند درخواست صدور جبران‌های منعی (قرار منع^۱) نمایند (Stuyck et al, 2007: 284). در برخی نظام‌های حقوقی، سازمان جهت واجد شرایط بودن، باید برنامه اجتماعی تعریف شده مناسبی داشته باشد یا صرفاً برای حمایت از منافی، اجازه اقامه دعوی جمعی داده می‌شود که مطابق با اساسنامه سازمان، به نحو گسترده‌ای مرتبط با موضوع آن باشد. به عنوان مثال، سازمان حمایت از مصرف‌کننده می‌تواند دعوی جمعی مصرف‌کننده را اقامه کند و نفع حقوقی برای دعوی جمعی محیط‌زیستی یا حقوق شهروندی ندارد (Gidi, 2003: 374). در برخی نظام‌های حقوقی مانند آمریکا لازم است که فرد متضرر عضو سازمان باشد و سازمان برای حمایت از منافع مصرف‌کنندگانی که عضو نبوده، شرایط اقامه دعوا ندارد.

در حقوق فرانسه دعاوی مختلفی از طرف سازمان حمایت از مصرف‌کننده قابل طرح است. دعوی منافع جمعی که در ماده ۴۲۱ قانون مصرف‌کننده پیش‌بینی شده، اجازه اقامه دعوا را به سازمان‌های مصرف‌کننده برای مطالبه خسارات جمعی متحمل شده توسط گروهی از مصرف‌کنندگان می‌دهد. دعوی گروهی موضوع قانون جدید فرانسه با عنوان قانون هامون^۲ نیز امکان مطالبه خسارت فردی را در حوزه حقوق مصرف‌کننده برای سازمان حمایت از مصرف‌کننده فراهم می‌کند. مطابق قانون اخیر در مواردی امکان اقامه دعوی گروهی از طرف سازمان‌ها برای مطالبه خسارت‌های فردی مصرف‌کنندگان وجود دارد که ثابت شود که مصرف‌کنندگان به دلیل نقض تعهدات قراردادی یا قانونی در زمینه فروش کالا یا ارائه خدمات یا نقض قانون رقابت توسط همان خواننده در وضعیت مشابه یا یکسان قرار دارند.

در حقوق ایران ماده ۴۸ قانون تجارت الکترونیک و قانون حمایت از مصرف‌کننده سازوکارهایی برای اقامه دعوی این سازمان‌ها در راستای حقوق مصرف‌کنندگان پیش‌بینی نموده است. مطابق تبصره ۱ ماده ۹ قانون حمایت از مصرف‌کنندگان، انجمن حمایت از مصرف‌کنندگان، تشکل غیرانتفاعی، غیردولتی و دارای شخصیت حقوقی مستقل می‌باشد که پس از ثبت در وزارت بازرگانی رسمیت می‌یابد. قانون حمایت از مصرف‌کننده با ایجاد انجمن‌های مصرف‌کننده، درصدد تسهیل اقامه دعوا مصرف‌کنندگان متضرر علیه عرضه‌کنندگان است. با وجود این به لحاظ محدود بودن اختیارات این انجمن‌ها به‌ویژه از این حیث که انجمن‌های حمایت از مصرف‌کننده رأساً و بدون

1. Injunction
2. Action de groupe -Loi Hamon

دریافت شکایت از طرف مصرف‌کنندگان، امکان طرح دعوا در سازمان تعزیرات حکومتی را ندارند، چندان موفق عمل نکرده است. ضمن اینکه مطابق ماده ۱۲ قانون نیز صرفاً از ارجاع دعوا صحبت شده است. ماده ۴۸ قانون تجارت الکترونیک مصوب ۱۳۸۲ نیز از صریح‌ترین قوانین در این زمینه می‌باشد. به موجب این ماده سازمان‌های قانونی و مدنی حمایت از حقوق مصرف‌کننده می‌توانند به‌عنوان شاکی اقامه دعوا نمایند. این قانون با پیش‌بینی امکان اقامه دعوا توسط سازمان بدون تقاضای شاکی خصوصی مناسب‌تر از قانون اخیر است. با وجود این از آنجا که موضوع این قانون حمایت از مصرف‌کنندگان در محیط سایبری است، محدودتر است.

۲-۲. موانع اقامه دعوی مصرف‌کننده

شفاف نبودن مفهوم مصرف‌کننده، عدم دسترسی به اطلاعات، طولانی بودن رسیدگی قضایی، سنگین بودن هزینه دادرسی، وابستگی بسیاری از تولیدکنندگان به نهادهای دولتی و شبه‌دولتی، هزینه‌بر بودن استفاده از وکلا و کارشناسان برای مصرف‌کنندگان از جمله برخی چالش‌های حقوق مصرف‌کنندگان از نظر برخی نویسندگان عنوان شده است (یوسف‌زاده و باریکلو، ۱۳۹۶: ۳). با توجه به اینکه موضوع نوشتار حاضر بررسی حقوق مصرف‌کنندگان و چالش‌های آن نیست و بیمه‌های هزینه‌های حقوقی از منظر حقوق مصرف‌کنندگان به‌عنوان یکی از موانع احقاق حق مصرف‌کنندگان، محور اصلی این نوشتار است، صرفاً به هزینه‌های دادرسی به‌عنوان یکی از موانع اقامه دعوی مصرف‌کنندگان خواهیم پرداخت.

منظور از هزینه‌های دادرسی مفهوم عام آن است که شامل هزینه اقامه دعوا، حق الوکاله وکیل و هزینه‌های کارشناس و... است. هزینه‌های دادرسی همواره به‌عنوان یکی از موانع اقامه دعوا تلقی می‌شوند. این مسئله در خصوص مصرف‌کنندگان به دلایل مختلف برجسته‌تر است. شرایط جامعه مدرن به‌نحو قابل ملاحظه‌ای اشخاص را در معرض صدمات قرار داده است. علاوه بر روش‌های سنتی خرید، امروزه مشکلات مربوط به خرید کالا و خدمات در فضای اینترنت و گسترش قابل ملاحظه آن میزان صدمات را افزایش داده است. مصرف‌کنندگان معمولاً به دلیل نداشتن آگاهی کافی و پرهزینه بودن دعوا برای مطالبه جبران صدمات مزبور، در موقعیت ضعیفی قرار دارند و عدم حمایت از آن‌ها قطعاً باعث تضییع حقوق آن‌ها خواهد شد. از طرفی در نتیجه نقض حقوق مصرف‌کنندگان سود کلانی عاید تولیدکنندگان می‌شود، در حالی که به دلیل وجود موانع مختلف از جمله هزینه‌های اقامه دعوا و فقدان ابزارهای حمایتی کافی معمولاً مصرف‌کنندگان انگیزه‌ای برای اقامه دعوا ندارند و احتمال انصراف مصرف‌کنندگان به دلیل هزینه‌های دادرسی از اقامه دعوا وجود دارد. بنابراین در چنین شرایطی نقض حقوق مصرف‌کنندگان به نوعی برای تولیدکنندگان صرفه اقتصادی خواهد داشت.

با توجه به اشکال مختلف اقامه دعوا توسط مصرف‌کنندگان در ابتدای امر مسئله هزینه دادرسی شاید در دعاوی فردی به‌عنوان مانع اقامه دعوا به نظر برسد. طبیعی است که مصرف‌کننده‌ای که توان پرداخت هزینه‌های دادرسی را ندارد از اقامه دعوا و احقاق حق خود منصرف شود. با وجود این به‌لحاظ اینکه سازمان‌ها نیز برای اقامه دعوا نیازمند تأمین مالی هستند، مسئله هزینه‌های دادرسی برای آن‌ها نیز مانع محسوب می‌گردد. تجربه نظام‌های حقوقی نیز مؤید این مسئله است. به‌عنوان مثال در نظام حقوقی آلمان علی‌رغم وجود سازوکارهای مختلف معاضدت حقوقی، از نظر نویسندگان حقوقی در دعاوی‌ای که توسط سازمان‌ها اقامه می‌شود نیز مسئله فقدان تأمین مالی به‌عنوان مانع تلقی می‌شود. زیرا تأمین مالی سازمان‌ها معمولاً با دولت است و اقامه دعوی آن‌ها کاملاً بستگی به بودجه مقرر شده دارد. در نتیجه این سازمان‌ها در اقامه دعوی، در درجه اول به منابع مالی خود و ریسک ناشی از دعوا توجه خواهند کرد و حقوق مصرف‌کنندگان در درجه بعدی مورد توجه قرار خواهد گرفت (Baetge, 2007: 25). تجربه نظام‌های حقوقی مختلف نیز حاکی از عدم تمایل سازمان‌ها برای اقامه دعوا به علت هزینه‌های اقامه دعواست. تا حدی که برخی از حقوق‌دانان جهت افزایش انگیزه آن‌ها، پیشنهاد حمایت از طریق یارانه‌های عمومی به این سازمان‌ها داده‌اند (Koch, 2001: 366). این مسئله مؤید آن است که حتی در نظام‌های حقوقی با مقررات معاضدت مناسب نیز هزینه‌های دادرسی هم در دعاوی فردی و هم دعاوی سازمانی مانع محسوب می‌شوند.

در حقوق ایران معاضدت‌های قضایی پیش‌بینی شده و معافیت از هزینه‌های دادرسی در دعاوی حقوقی در قالب مقررات اعسار مطرح است. مقررات اعسار اگرچه مقررات مناسبی هستند، اما برخی ایرادات مانند عدم پیش‌بینی معیاری برای تشخیص اعسار برای قاضی، غیرشفاف بودن وضعیت درآمد افراد در ایران، عدم تمایل قضات برای انجام تحقیقات لازم و بسنده کردن به شهادت شهود، ناکارآمد بودن مقررات کیفری برای مدعیان دروغین اعسار، در عمل کارآمد بودن آن را تحت تأثیر قرار داده است. در دعاوی کیفری نیز در قانون آیین دادرسی کیفری جدید، معاضدت‌هایی پیش‌بینی شده که ممکن است در دعاوی کیفری مصرف‌کنندگان مفید باشد. به‌نحوی که ماده ۶۲ و ۵۵۹ قانون آیین دادرسی کیفری از نظر نویسندگان حقوقی از نوآوری‌های جدید قانون در خصوص مقررات معاضدتی در دعاوی کیفری تلقی شده است (میرکمالی و حاجی‌زاده، ۱۳۹۸: ۲۰۱). با وجود این کافی به نظر نمی‌رسد. در خصوص دعاوی سازمانی نیز علی‌رغم وجود انجمن‌های حمایتی به شرحی که گذشت، مهم‌ترین مسئله در فعال شدن این انجمن‌ها تأمین هزینه‌های آن‌ها است که قوانین موجود در این خصوص پیش‌بینی خاصی ننموده‌اند. البته در ماده ۱۳ قانون حمایت از مصرف‌کننده منابع مالی این انجمن‌ها پیش‌بینی شده است. با وجود این واضح است که این منابع

کافی نیستند و چه بسا یکی از دلایل عدم تمایل اقامه دعوا از طرف این سازمان‌ها در عمل باشد. در قوانین ناظر به هزینه‌های دادرسی نیز معافیت از هزینه‌های دادرسی برای سازمان‌های مصرف‌کننده پیش‌بینی نشده است. در رویه قضایی نیز دعاوی اقامه شده توسط این سازمان‌ها اندک است. محدود بودن آمار ممکن است این برداشت را تقویت کند که حقوق مصرف‌کنندگان در عمل رعایت می‌شود و تضییع حقوق آن‌ها مسئله مهمی در نظام حقوقی ایران نیست. بدیهی است این برداشت بسیار ساده‌انگارانه است و به نظر می‌رسد اندک بودن تعداد دعاوی مصرف‌کنندگان در رویه قضایی می‌تواند مؤید وجود برخی موانع اقامه دعوا، از جمله هزینه‌های دادرسی باشد.

۳-۲. تأثیر بیمه هزینه‌های حقوقی بر دعاوی مصرف‌کنندگان

با توجه به مباحث مطرح شده روشن است هزینه‌های دادرسی از موانع اقامه دعوا در دعاوی مصرف‌کنندگان محسوب می‌شود و ایجاد سازوکارهایی در خصوص معاضدت حقوقی به مصرف‌کنندگان از جمله حقوقی است که در راستای احقاق حقوق آن‌ها باید مورد توجه قرار گیرد. نظام‌های حقوقی مختلف متوجه اهمیت مسئله و تأثیر آن در اقامه دعوی مصرف‌کنندگان شدند و در برخی نظام‌های حقوقی سازوکارهایی پیش‌بینی شده است.

برخی نظام‌های حقوقی به منظور کاهش موانع در برخی دعاوی سعی در تعدیل قواعد حاکم بر مقررات هزینه‌های دادرسی به‌ویژه در دعاوی جمعی مصرف‌کنندگان داشته‌اند. به‌عنوان مثال در قانون مصرف‌کننده برزیل به‌جز در مورد دعاوی ناشی از سوءنیت، در دعاوی جمعی، خواهان‌ها ملزم به پرداخت هزینه‌های دادگاه، کارشناس و غیره نیستند (Gidi, 2003: 341). در حقوق پرتغال، مصرف‌کنندگان از پرداخت هزینه‌های دادرسی در دعاوی مربوط به حقوقی که در نتیجه عرضه کالا و خدمات عاید آن‌ها می‌شود معاف هستند به شرط آنکه خواسته دعوا از حد نصاب صلاحیت دادگاه‌های نخستین فراتر نرود. در اسپانیا نماینده می‌تواند تقاضای تخفیف در هزینه‌های دادرسی و معاضدت حقوقی رایگان کند. همچنین مصرف‌کنندگان می‌توانند به‌صورت رایگان به انجمن‌های حمایتی، نمایندگی طرح دعوا دهند. این انجمن‌ها نیز در اغلب موارد از پرداخت هزینه‌های دادرسی معاف هستند (Stuyck et al, 2007: 314-315).

علی‌رغم مفید بودن این راهکارها، به علت محدود بودن آن‌ها به دعاوی جمعی مصرف‌کنندگان و برخی دعاوی خاص، کافی به نظر نمی‌رسند و توجه به سایر ابزارها ضروری است. این مسئله به‌ویژه در نظام‌های حقوقی که ابزارهای کافی معاضدت وجود ندارد، اهمیت بیشتری دارد و تا زمانی که دولت و قانون‌گذار در راستای مسئولیت‌های اجتماعی خود اقدام به ایجاد ابزارهای مناسب معاضدت‌ی نماید، استفاده از بیمه‌های هزینه‌های حقوقی توسط اشخاص را باید از جمله ابزارهای مفید جهت رفع این

مانع محسوب نمود. این مسئله مورد توجه برخی حقوق‌دانان در سایر نظام‌های حقوقی قرار گرفته است. برخی نویسندگان حقوقی انگلستان بر این باورند که بیمه هزینه‌های حقوقی تأثیر بسزایی در روند توسعه دعاوی مصرف‌کنندگان خواهد داشت. از نظر آن‌ها با توجه به بالا بودن هزینه‌های دادرسی در انگلیس، بیمه هزینه‌های حقوقی برای منافع مصرف‌کننده بسیار مهم است (Ilmonen, 1996: 359). در واقع با وجود این بیمه‌ها، مصرف‌کنندگان بدون نگرانی از هزینه‌ها می‌توانند از مشاوره و حمایت حقوقی برخوردار شوند و چه بسا مانع از گسترش دامنه اختلافات خود شوند. در سطح اتحادیه اروپا نیز مسئله دسترسی به عدالت از منظر منافع مصرف‌کننده از اهمیت بالایی برخوردار است. کمیسیون اروپا اقدام به تهیه برگ سبز مشورتی^۱ در خصوص مصرف‌کنندگان به منظور دسترسی به عدالت نموده است. همچنین در راستای حقوق مصرف‌کنندگان با تدوین دستورالعمل بیمه هزینه‌های حقوقی به این نوع بیمه‌ها توجه شده است. برخی حقوق‌دانان ایرانی نیز وجود این بیمه‌ها را از راهکارهای مفید مدیریت ریسک دادخواهی و توزیع متعادل آن می‌دانند (حبیبی درگاه، ۱۳۹۹: ۷۲).

البته توجه به این نکته نیز ضروری است که با توجه به ابزارهای حمایتی مختلف در هر نظام حقوقی، ضرورت توجه و میزان استفاده از این نوع بیمه‌ها متفاوت است. در کشورهایی که حمایت از مصرف‌کنندگان کمتر توسعه یافته و منافع مصرف‌کننده به‌طور نهادی و سازمانی نمایندگی نمی‌شود، بیمه هزینه‌های حقوقی به‌عنوان یک ابزار حمایتی در جهت تضمین دسترسی به عدالت عمل خواهد نمود و برای اقشار کم‌درآمد و اقشار با درآمد متوسط مناسب خواهد بود. در حالی که در نظام‌های حقوقی که ابزارهای حمایتی مناسبی برای اقشار ضعیف جامعه وجود دارد، این بیمه‌ها برای افراد دارای سطح متوسط درآمد مناسب‌تر خواهد بود. زیرا در اکثر نظام‌های حقوقی مقررات معاضدت با محدودیت‌هایی مواجه است و عمدتاً برای درصد کمی از اقشار ضعیف جامعه تدارک دیده شده است. عدم پوشش مسئولیت هزینه‌های طرف مقابل در صورت شکست، ارائه کمک‌های جزئی یا موقت یا حذف برخی از انواع دعاوی از دیگر محدودیت‌های معاضدت در اکثر نظام‌های حقوقی است (Reimann, 2012, 38). در حالی که اکثریت افراد جامعه ممکن است واجد سطحی از درآمد باشند که ضمن اینکه مشمول مقررات معاضدت نمی‌شوند، پرداخت هزینه‌های دادرسی برای آن‌ها سنگین باشد. بنابراین مسئله هزینه‌های دادرسی قطعاً در انگیزه اقامه دعوی این قشر تأثیرگذار است.

در حقوق ایران از یک طرف با فقدان معاضدت خاص برای مصرف‌کنندگان و مشکلات مقررات اعسار و محدود بودن آن به اقشار کم‌درآمد و محدود بودن منابع مالی سازمان‌های حمایت از

1. Commission of the European Communities: Green Paper on the Access of Consumers to Justice and the Settlement of Consumer Dispute, Brussels, 16 November. 1993.

مصرف‌کننده مواجه هستیم و از طرف دیگر ابزارهای پیش‌بینی شده در سایر نظام‌های حقوقی همانند حق‌الوکاله مشروط و دعاوی جمعی وجود ندارند. در نتیجه هزینه‌های دادرسی به‌عنوان مانع دعاوی تلقی می‌شوند. اصلاح مقررات معاضدت و پیش‌بینی مقررات مناسب معاضدتی در راستای مسئولیت اجتماعی و عمومی دولت از ضروریاتی است که قطعاً باید مورد توجه قرار گیرد. در شرایط فعلی بیمه‌های هزینه‌های حقوقی که از طرف برخی شرکت‌های بیمه داخلی هم ارائه می‌شوند، می‌تواند تا حد زیادی خلأ را رفع نماید. در مقایسه با سایر راهکارها نیز پذیرش این بیمه‌ها در نظام حقوقی ایران با مانعی مواجه نیست. این بیمه‌ها تابع قواعد حاکم بر عقد بیمه هستند و این عقد به‌عنوان یکی از قالب‌های قانونی در نظام حقوقی ایران مورد پذیرش است و در عمل نیز در حوزه‌های مختلف کاربرد دارد. ضمن اینکه وجود این بیمه‌ها، نه تنها انگیزه‌ای برای مصرف‌کنندگان برای احقاق حق خود خواهد بود، بلکه می‌تواند به‌عنوان عامل بازدارنده در نقض حقوق آن‌ها از طرف تولیدکنندگان نیز به شمار رود. زیرا با وجود این بیمه‌ها احتمال اقامه دعاوی مصرف‌کنندگان بیشتر می‌شود و از این منظر تولیدکنندگان احتیاط بیشتری در رعایت حقوق آن‌ها خواهند داشت. با وجود این به نظر می‌رسد علی‌رغم اینکه به‌لحاظ قانونی مشکلی در استفاده از این بیمه‌ها در حقوق ایران وجود نداشته باشد، به‌منظور مؤثر بودن این بیمه‌ها حمایت‌های قانونی ضروری است. علاوه بر امکان فردی هر مصرف‌کننده برای بیمه کردن دعاوی خود، لازم است سازمان‌های مصرف‌کننده نیز با حمایت‌های قانونی به سمت این بیمه‌ها سوق داده شوند. به‌عنوان مثال دولت می‌تواند با تأمین بخشی از هزینه‌های بیمه، انگیزه لازم را برای آن‌ها ایجاد نماید. ضمن اینکه گسترش این بیمه‌ها در نظام حقوقی ایران موجب رقابت شرکت‌های بیمه و ایجاد تسهیلاتی در این زمینه برای مصرف‌کنندگان خواهد شد.

نتیجه

هزینه‌های اقامه دعاوی همواره یکی از موانع اقامه دعاوی محسوب می‌شوند. اهمیت مسئله درخصوص مصرف‌کنندگان چندین برابر است. در این راستا برخی نظام‌های حقوقی با راهکارهایی از جمله معافیت از هزینه دادرسی برای سازمان‌های مصرف‌کننده در برخی دعاوی سعی در رفع این مانع نموده‌اند. در کنار مسئولیت‌های دولت و نهادهای عمومی در حل مشکلات اقامه دعاوی و ایجاد ابزارهای معاضدتی مناسب، راهکارهای دیگری نیز مورد توجه نظام‌های حقوقی مختلف قرار گرفته است.

بیمه هزینه‌های حقوقی را می‌توان از جمله این ابزارها دانست که با تحت پوشش قرار دادن هزینه‌های دعاوی به نوعی در رفع این مانع و تسهیل اقامه دعاوی مصرف‌کنندگان مؤثر هستند. در واقع تا زمانی که مراجع ذی‌صلاح در حل مشکلات مربوط به معاضدت اقدام نمایند، استفاده از این

بیمه‌ها توسط اشخاص خصوصی، ابزاری مناسب جهت رفع موانع معاضدت خواهند بود. فواید این بیمه‌ها در عمل موجب شده که در اکثر نظام‌های حقوقی به آن توجه شود. البته نقش و کارکرد این نوع بیمه‌ها به شرایط خاص هر نظام حقوقی به‌ویژه وجود سازوکارهای دیگر معاضدت بستگی دارد. در نظام‌های حقوقی با ابزارهای معاضدت متنوع، بیمه هزینه‌های حقوقی معمولاً در برخی خدمات حقوقی خاص کاربرد دارند و در نظام‌های حقوقی با ابزارهای معاضدت محدود، این بیمه‌ها توسعه بیشتری دارند. با وجود این بررسی نظام‌های مورد مطالعه مؤید آن است که حتی در کشورهایی که معاضدت‌های نسبتاً جامعی دارند، این بیمه‌ها مورد اقبال عمومی هستند. زیرا هر اندازه هم ابزارهای معاضدت گسترده باشند، به‌رحال خلأهایی هم وجود خواهد داشت و معاضدت‌ها قادر به تحت پوشش قرار دادن تمام خسارات نیستند.

در حقوق ایران معاضدت‌های خاصی برای مصرف‌کنندگان پیش‌بینی نشده است و مصرف‌کنندگان تابع قواعد عام اقامه دعوا هستند. محدودیت‌های قواعد عام اعسار و محدود بودن منابع مالی سازمان‌های حمایت از مصرف‌کننده در عمل موانعی را برای مصرف‌کنندگان در اقامه دعوا ایجاد نموده است. در حال حاضر به‌لحاظ فقدان قوانین حمایتی در این زمینه، در راستای تسهیل اقامه دعوی مصرف‌کنندگان می‌توان به بیمه‌های هزینه‌های حقوقی به‌عنوان ابزاری مفید برای معاضدت توجه نمود. با توجه به پذیرش عقد بیمه در نظام حقوقی ایران به‌عنوان یکی از عقود معین، پذیرش و استفاده از آن در مقایسه با سایر ابزار معاضدت از جمله حق الوکاله مشروط و دعاوی جمعی با مانعی مواجه نیست و این ابزار با مبانی نظام حقوقی ایران سازگاری دارد و استفاده از آن می‌تواند در عمل برخی مشکلات مربوط به هزینه‌های دادرسی را رفع نماید و همچنین به‌عنوان عامل بازدارنده نیز عمل خواهد کرد. زیرا با گسترش استفاده از بیمه‌ها در عمل، تولیدکنندگان احتیاط بیشتری در رعایت حقوق مصرف‌کنندگان خواهند داشت. بنابراین این بیمه‌ها نه تنها در دعاوی فردی مصرف‌کنندگان مفید خواهند بود بلکه سازمان حمایت از مصرف‌کننده نیز در جهت تحقق اهداف خود می‌تواند از آن استفاده نماید. با وجود این علاوه بر ضرورت توجه قانون‌گذار به ابزارهای معاضدت دیگر، حمایت‌های قانونی از جمله تأمین بخشی از هزینه بیمه سازمان، توسط دولت در توسعه بیشتر این بیمه‌ها مؤثرتر خواهد بود.

منابع

فارسی

- حبیبی درگاه، بهنام (۱۳۹۹)، «مفهوم اصل دسترسی ارزان به دادگستری و جلوه‌های آن»، *مجله حقوقی دادگستری*، دوره ۸۴، شماره ۱۰۹.
- صادقی، محسن و فروغ منتقمی (۱۳۸۶)، «نقش سازمان‌های غیردولتی در حمایت از حقوق مصرف‌کننده»، نامه *حقوقی*، دوره ۱۳، شماره ۶۱.
- صفری، ناهید و آرتین جهانشاهی (۱۳۹۹)، «حق الوکاله مشروط و احتمالی»، *مطالعات حقوقی*، دوره ۱۲، شماره ۲.
- طهماسبی، علی، «نقش بیمه در ارتقای دسترسی شهروندان به عدالت مدنی»، (۱۳۹۸)، *پژوهش‌های حقوق تطبیقی*، دوره ۲۳، شماره ۱.
- فیضی چکاب، غلام نبی و تقی اسدی (۱۳۹۴)، «مفهوم حقوقی مصرف‌کننده و تأمین‌کننده کالا و خدمات در حقوق ایران و مقررات اروپایی و ایران»، *دانش حقوق مدنی*، دوره ۴، شماره ۱.
- کاپلتی، مورو، گارث، برایان جی (۱۳۹۸). *آیین دادرسی مدنی*، ج ۱، ترجمه حسن محسنی، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- منصوری بروجنی، محمد و ناصر سلطانی (۱۳۹۷)، «بیمه هزینه‌های قضایی: الگویی برای توانمند سازی شهروندان»، *دانشنامه حقوق اقتصادی*، سال ۲۵، شماره ۱۴.
- میرکمالی، علیرضا و نازنین حاجی‌زاده (۱۳۹۸)، «حمایت دولت از بزه‌دیدگان در زمینه تأمین هزینه دادرسی»، *مجله حقوقی دادگستری*، دوره ۸۳، شماره ۱۰۵.
- یوسف‌زاده، احمد و علیرضا باریکلو (۱۳۹۶)، «نقش دعاوی گروهی در حمایت از مصرف‌کننده»، *دانشنامه حقوق اقتصادی*، سال ۲۴، شماره ۱۱.
- یوسفی صادقلو، احمد و حسین پورحسینی (۱۳۹۵)، «بررسی مفهوم مصرف‌کننده و عرضه‌کننده در حقوق ایران و اتحادیه اروپا»، *تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری*، دوره ۱۲، شماره ۳۰.

انگلیسی

- Baetge, Dietmar (2007), *Class Actions, Group Litigation & Other Forms of Collective Litigation – Germany*, report.
- Gidi, Antonio (2003), “Class Actions in Brazil-A Model for Civil Law Countries”, *America Journal of Comparative Law*, vol. 51.
- Ilmonen, Klaus (1996), *The Legal Expenses Insurance Directive – a consumer perspective*.
- Kilian, Matthias (2003), “Alternatives to Public Provision: The Role of Legal Expenses Insurance in Broadening Access to Justice: The German Experience”, 30 (1).
- Kilian, Matthias; Regan, Francis (2004), “Legal expenses insurance and legal aid—two sides of the same coin? The experience from Germany and Sweden”, *International Journal of the Legal Profession*, 11 (3).
- Koch, Harald, (2001), “Non-Class Group Litigation under EU and German Law”, *Duke journal of comparative & international law*, vol 11.

- McNee, Anna (2019), **Legal Expenses Insurance and Access to Justice**, Legal Policy & Research Unit International Bar Association.
- Qiao, Yue (2010), “Legal-Expenses Insurance and Settlement”, *Asian Journal of Law and Economics*, vol 1, issue 1.
- Regan, Francis (2001), “Whatever Happened to: Legal Expense Insurance?”, **Alternative Law Journal**, 26 (6).
- Reimann, Mathias (2012), **Cost and Fee Allocation in Civil Procedure: A Comparative Study**, Springer, vol 11.
- Rupert Jackson, **Review of Civil Litigation Cost** (2009), final report, Published with the permission of the Ministry of Justice on behalf of the Controller of Her Majesty’s Stationery Office.
- Stuyck, Jules et al (2007). **An Analysis and Evaluation of Alternative Means of Consumer Redress Other than Redress through Ordinary Judicial Proceedings**, Final Report. The Study Centre for Consumer Law – Centre for European Economic law.